

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ولادیمیر اودینتسف*

برگردان: م. قربانی

۱۰ فبروری ۲۰۲۴

نازیسم، غرب، اوکراین



با وجود درس‌های جنگ دوم جهانی، متأسفانه نگارنده باید بگوید که حوادث هشت سال گذشته در اوکراین و پیرامون آن، نه تنها حکایت از زندگی پُر جنب‌وجوش نازیسم دارد، بلکه شماری از رهبران کشورهای غربی نیز آرزومند احیای سراسری و همه‌جانبه آن هستند.

از سال‌های ۱۹۳۰ میلادی، محافل حاکم بر غرب مقادیر هنگفتی صرف حمایت مالی از رژیم هیتلر کردند. این حقیقت شناخته شده ای است که رئیس بانک انگلستان، مونتگن نورمن و برادران داگلاس با هیتلر یک جلسه مخفی برگزار کردند، که منجر به تصمیم حمایت مالی از «حزب ناسیونال سوسیالیست کارگران المان (NSDAP)» (و پرداخت وام به بانک رایش المان شد. حتی پس از وقوع جنگ دوم جهانی تجارت و کسب‌وکار امریکائی‌ها با المان رایش سوم ادامه پیدا کرد، و این تنها به تأمین سوخت و گریس از مسیر اسپانیا محدود نمی‌شد.

انگلستان و فرانسه با پشتیبانی معنوی ایالات متحده، تحت توافقنامه مونیخ در سال ۱۹۳۸، به المان، پولند و هنگری اجازه دادند چکسلواکی را تقسیم کنند. در ضمن، رهبران غربی آرزوی خود برای تقسیم سرزمینی قربانی بعدی، اتحاد شوروی، را هم پنهان نکردند. اما پیش‌بینی و محاسبات آن‌ها غلط از آب درآمد. این مردم اتحاد شوروی بودند که نازیسم را شکست دادند، چنان ضربه سرنوشت‌سازی به ارتش‌های هیتلری وارد آوردند که نه فقط سرزمین شوروی، بلکه اروپا را نیز آزاد کردند.

بنا به گزارش روزنامه (محافظة‌کار، م) برخط امریکن ٹینکر، کم نیستند شرکت‌های خاندانی المانی که به صورت فضاحت‌باری موقعیت خود را مدیون همسوئی و حتی علاقه به مشارکت ارادی در اعمال شیطانی نازی‌ها هستند. این

روزنامه پنج صنعت عمده‌ای را که از آدولف هیتلر برای به قدرت رسیدن حمایت مالی کردند و میلیاردها بابت مشارکت خونبار و فاجعه‌بارشان به جیب زدند، مورد بررسی قرار داد. از سال ۱۹۴۷، پس از وقوع جنگ سرد، هری ترومن رئیس‌جمهور امریکا اولویت سیاست خود را از تنبیه آلمان به بازسازی اقتصادی آلمان تغییر داد. در حالی‌که صنعتگران نازی در حال پاکسازی آرشیوهایشان بودند، امریکا در سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۵۱ یک رشته فرمان عفو را سازماندهی کرد. جنگ کوریا در جریان بود، در نتیجه امریکا به آلمان و صنعت آن نیاز داشت.

تازنگاشت پر مخاطب reddit بتازگی «عملیات گیره کاغذی» را به بحث گذاشت، عملیاتی که در آن سرویس‌های اطلاعاتی امریکا دانشمندان آلمان نازی را بعد از جنگ دوم جهانی برای کار به امریکا منتقل کردند تا مطمئن شوند که فناوری و طرح‌های پیشرفته نظامی به دست اتحاد شوروی نیفتد. این بحث همچنین نگرانی ساکنین ایالات متحده و دیگر کشورها را در مورد تجدید حیات نازیسم و حمایت از تلاش‌های مسکو برای نازی‌زدایی در اوکراین، برانگیخت.

ایالات متحده، همراه با انگلستان و شماری از «متحدان» غربی‌شان، با تلاش فراوان شروع به بازنویسی تاریخ کردند، از همه ابزارها برای پاک کردن نقش روسیه در شکست فاشیسم از خاطره نسل جوان‌تر در کشورهای غربی استفاده کردند. آنان تأکید ویژه‌ای بر به فراموشی سپردن قهرمانی‌های سربازان شوروی و فرماندهانشان در جنگ جهانی دوم و تخریب هرچه برای بزرگداشت آنان در کشورهای مختلف اروپائی بناشده بود، ورزیدند.

در نتیجه، واشینگتن از راه برقراری نظام اعمال دخالت در امور داخلی کشورهای غربی، گماشتگان خود را در بسیاری از دولت‌های اروپائی آموزش داده، به قدرت رسانده و در عرصه بین‌المللی آن‌ها را با بینشی امریکاپسند و موضع شدیداً روس‌هراسانه پرورش داده است. به این خاطر، «سیاست‌مدارانی» از این دست به پیشران روس‌هراسی در اروپا، به ویژه در کشورهای حوزه بالتیک، مانند پولند و شماری از دولت‌های اروپای شرقی، آلمان و ساختارهای حاکم اتحادیه اروپائی، تبدیل شده‌اند.

در قرن گذشته، پولند را «کفتار اروپا» می‌نامیدند. و این حرف را هر کسی به زبان نمی‌آورد، مگر خود وینستون چرچیل، کسی که مشکل بتوان او را به طرفداری از روسیه متهم کرد. لذا، یک رشته حوادث در این کشور نظیر تخریب یادبودهای سربازان شوروی و نیز حوادث اخیر در ۹ ماه مه هنگام مراسم اهدای تاج گل بر مزار نظامیان شوروی در وارسا که در آن سفیر روسیه، سرگی آندریف با اسپری قرمز رنگ مورد حمله قرار گرفت، ثابت کرد که صفتی که چرچیل برای پولند به کار برد، چندان هم بی‌مسمی نبوده است.

گزارش منتشره در **زود دویچه سایتونگ** نیز تأیید می‌کند که شمار روزافزونی از پیروان نازی‌ها در غرب، از تشویق آشکار چنین گرایشی در محافل کنونی حاکم در اروپا بی‌بهره نبوده‌اند. طبق گزارش این روزنامه، در سه سال گذشته تعداد ۳۲۷ افسر مرتبط با ایدئولوژی به اصطلاح «شهروندان رایش»، تنها در میان مقامات رسمی امنیتی آلمان شناسایی شده‌اند. یک‌چنین شبکه بین-منطقه‌ای از افراطیون بسادگی نمی‌تواند ایجاد شود، مگر این‌که **دفتر فدرال حمایت از قانون اساسی** به این واقعیت پی برده باشد که افسران افراطی شناخته شده ارتباطات عدیده‌ای با افراطیون مختلف دارند، و با احزاب مربوطه و سازمان‌هایی با خرده فرهنگ اوباش و ورزش‌های رزمی، مرتبط‌اند. این روزنامه آلمانی در ادامه می‌افزاید، طی سه سال ۸۶۰ مورد را رسیدگی کرده‌اند. در ۳۸ درصد این موارد (حضور) نیروهای امنیتی الزامی بود.

به علاوه، دولت آلمان اطلاعاتی دارد که **حزب نئونازی راه سوم** به «ناسیونالیست‌های جنگ‌افروز اوکراین» در ماه مارچ کمک‌های مادی ارسال کرده است. این اطلاعات بر مبنای پاسخ به تقاضای فراقسیون چپ در بوندستاگ به دست آمده است.

دیر زمانیست که «غرب متمدن» تراژیدی مردم دونباس، درد و رنج ناشی از حملات معمول هشت ساله و جنایاتی را که به دست گردان نئونازی‌های ناسیونالیست ارتش اوکراین انجام شده است، نادیده می‌گرفت. اروپا و ایالات متحده به وضوح چشم‌هایشان را به روی مصیبت‌های مردم عادی بستند، از جانیانی که هدفشان نابودی روس‌ها بود حمایت کردند. وقتی که روسیه از طریق نمایندگانش کوشید توجه جهانیان را به احیای جنایات نازیسم جلب کند، غرب انتشار چنین اطلاعاتی را تا آنجا که ممکن بود، محدود کرد. و واقعه ۱۰ ماه مه در کانال اسکای نیوز انگلستان که در آن مجری ناگهان مصاحبه زنده با دیمیتری پولیانسکی، نماینده دایم روسیه در سازمان ملل متحد را قطع کرد، زیرا وی از پُست اینستاگرامی ولادیمیر زلینسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، و عکس لشکر سرباز اوکراینی با نشان اس اس پرده برداشت، خود بسیار گویا بود. پولیانسکی در پاسخ به این رفتار گفت، انگلستان «همه چیزهایی را که ما برایش مبارزه کردیم، فراموش می‌کند» و آن را یک «فاجعه کامل و یک ننگ» توصیف کرد.

اما اکنون یک بار دیگر روسیه به جهانیان نشان می‌دهد که نازیسم ایدئولوژی مخرب و خطرناکیست که تنها سادیسمی‌ها و اوباش از آن پیروی می‌کنند. نتایج عملیات ویژه نازی‌زدائی در اوکراین را خبرنگاران محلی و شماری از روزنامه‌نگاران خارجی مستند کرده اند. آن‌ها بروشنی نشان می‌دهند که عملیات ویژه نامبرده نه تنها برای ساکنین دونباس و لوهانسک یا برای اوکراینی‌ها و روس‌ها مهم است، بلکه اهمیت جهانی دارد. امروز به رغم تحریم‌های امریکا و محدودیت‌های اطلاعاتی تحمیل شده علیه روسیه و متحدانش، کشورها و جنبش‌های اجتماعی بیش‌تر و بیش‌تری به این درک می‌رسند، و از سیاست‌های جنایتکارانه واشینگتن و متحدان غربی‌اش دوری می‌جویند و به حمایت از مسکو بر می‌خیزند.

*- ولادیمیر اودینتسوف، ناظر سیاسی، اختصاصی برای مجله برخط نیو ایسترن آوتلوک.

برگرفته از: نیو ایسترن آوتلوک
منتشر شده در تاریخ: ۱۹ مه ۲۰۲۲